امضای پیمان امنیتی استرالیا با آمریکا و بریتانیا برای تامین زیردریایی‌های اتمی در گفتگوی آفتاب یزد با «علی بیگدلی»

دنیا در حال پوست انداختن است

استرالیا بزرگترین بازنده‌ی این بازی با آتشِ لندن - واشنگتن خواهد بود!

آفتاب یزد - رضا بردستانی: هشدار چین مبنی بر این که: «استرالیا ممکن است «هدف حمله اتمی» قرار گیرد» حکایت از یک اتفاق ویژه در خاور دور و قاره‌ی پنجم دارد در همین حال، وزارت امور خارجه اندونزی در بیانیه‌ای درخصوص تلاش استرالیا برای دستیابی به زیردریایی اتمی و تأثیر این اقدام بر صلح و ثبات منطقه ابراز نگرانی کرد. به گزارش نشریه گلوبال تایمز چین که عمدتا نظرات حزب کمونیست این کشور را منعکس می‌کند، کارشناسان نظامی این کشور نگران‌اند که این زیردریایی‌ها به‌رغم اطمینان خاطرهایی که در مورد اتمی نبودن آن‌ها داده شده است، به تسلیحات اتمی تبدیل‌شوند.

کارشناسان نظامی چین ظاهرا در مورد یک حمله بالقوه به استرالیا هم هشدار داده‌اند. به نوشته گلوبال تایمز، دلیل آن این است که این پیمان تجهیز زیردریایی‌ها با موشک‌های بالستیک دارای کلاهک‌های اتمی را برای واشنگتن و لندن تسهیل می‌کند. این گزارش به نقل از یک کارشناس ارشد نظامی که نامش ذکر نشده است، می‌نویسد که تنها کشورهایی که به تسلیحات اتمی مجهزند، زیردریایی با نیروی محرکه اتمی دارند و نقش آن‌ها شلیک موشک‌های اتمی در صورت وقوع درگیری است. این منابع می‌گویند اطمینان‌خاطرهای جو بایدن و اسکات موریسون، نخست‌وزیر استرالیا، در مورد تسلیحات اتمی «بی‌معنی» است. این مقام نظامی ناشناس گفته است: «کار گذاشتن تسلیحات اتمی و موشک‌های بالستیک در زیردریایی‌های استرالیا برای آمریکا و بریتانیا آسان است.»

■ سوی دیگر ماجرا فرانسه است!

در کنار ابراز نگرانی اندونزی و خط و نشان کشیدن چینی‌ها، دولت فرانسه اعلام کرد سفیران خود را از ایالات متحده و استرالیا فراخوانده است. فرانسه می‌گوید قرار استرالیا این بود که محموله بزرگی از زیردریایی‌های متعارف خریداری کند، ولی آن را کنار گذاشته و از آمریکا زیردریایی اتمی خریده است. خبرگزاری آسوشیتدپرس در گزارشی ضمن اعلام این خبر نوشت، این نخستین بار است که فرانسه سفیر خود را از ایالات متحده فرا می‌خواند و ژان ایو لودریان وزیر امور خارجه فرانسه در بیانیه‌ای گفت، این تصمیم به درخواست رئیس جمهوری امانوئل ماکرون گرفته شده و با توجه جدی بودن اقدامی که استرالیا و آمریکا کرده‌اند، اقدامی موجه است. وزیر امور خارجه فرانسه افزود، اعلام توافق بین استرالیا و ایالات متحده در مورد ایجاد ناوگان زیردریایی‌های با سوخت هسته‌ای، «رفتاری غیرقابل قبول میان متحدان و شرکا است.» توافقی که فرانسه با استرالیا داشت ارزشی حدود یکصد میلیارد دلار و برای فروش زیردریایی‌های دیزل-الکتریک بود. ژان ایو لودریان گفت: «این خنجری بود که از پشت زده شد. ما رابطه با استرالیا را بر اساس اعتماد ساختیم و به این اعتماد، خیانت شد.» آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا در یک کنفرانس خبری، که علاوه بر لوید آستین وزیر دفاع آمریکا همتایان استرالیایی آن‌ها نیز شرکت داشتند، گفت: فرانسه همچنان یک شریک حیاتی برای واشینگتن در منطقه اقیانوس‌های آرام و هند است.

■ اختلاف واژه غریبی در روابط فرانسوی‌ها با انگلستان و آمریکا نیست!

علی بیگدلی استاد تاریخ دانشگاه در گفتگو با آفتاب یزد به ریشه‌های تاریخی برخی اختلافات واشنگتن - پاریس اشاره کرده می‌گوید: از زمان ژنرال دوگل که آمریکایی‌ها از طرف سازمان ملل فشار آوردند که فرانسوی‌ها باید هر چه سریعتر از الجزایر بیرون بروند و به جنگ ۷ ساله پایان دهند نقطه آغازین اختلاف بین آمریکا و فرانسه کلید خورد. البته قبل از آن هم در ملاقاتی در کنفرانس مسکو که استالین و چرچیل حضور داشتند به رزولت پیشنهاد می‌کند که اگر شما موافق باشید دو گل هم بیاید اما او مخالفت می‌کند. در حالی که فرانسوی‌ها به آمریکایی‌ها خیلی کمک کردند مانند جنگ استقلال و برج آزادی که به آن‌ها اهدا کردند.

بیگدلی می‌افزاید: مسئله دوم تاسیس اتحادیه اروپا از سال ۱۹۴۷ مورد مخالفت و اعتراض آمریکایی‌ها بود. آمریکا تمایل نداشت دو طرف اقیانوس اطلس دو نهاد قدرتمند برابر هم قرار گیرند و مدت‌ها دو گل از حضور انگلیس در اتحادیه جلوگیری می‌کرد. اینها سبب شد جناح راست میانه از فرانسه فاصله گیرد بنابراین رهبری اتحادیه اروپا تحت هدایت فرانسه مقداری بین آمریکا و فرانسه اختلاف به وجود آورد و این اختلاف هم چنان است اگر چه ظاهرا با یکدیگر ارتباط مناسبی دارند و در جبهه غرب قرار گرفتند اما این اختلافات را با فرانسوی‌ها دارند.

■ دلیل پرخاش و پریشانی فرانسوی‌ها منافع صدمیلیارد دلاری است!؟

این استاد تاریخ دانشگاه و روزنامه نگار با سابقه در ادامه اظهار می‌دارد: حدود شش سال پیش قراردادی بین فرانسه و استرالیا مبنی بر ساخت ۹ زیردریایی امضا شد که این‌ها اتمی نبود (دیزل - الکترونیک) اما اگر می‌خواست می‌توانست مجهز به کلاهک‌های اتمی هم شود. کار خوبی بود و موقعیت مکرون را بالا می‌برد. این اتفاقی که رخ داده جبهه کاملا غربی شکل گرفته که شاید استرالیا هم اشتباه کرده که خود را از کشور بی‌طرفی که بود وارد این ماجرا کرد اما از ۶-۵ سال پیش اختلافات شدیدی بین استرالیا و چین به وجود آمد و به همین دلیل هم استرالیا ورود کالاهای چینی را ممنوع و از ورود سرمایه گذاران چینی در استرالیا جلوگیری کرد. چون آقای اسکات موریسون تفکرات نومحافظه‌کارانه دارد و ایشان هم یکی از شاگردان ترامپ و دنباله رو افکار وی بود.

بیگدلی با اشاره به این مسئله که؛ در قرارداد امضا شده وزارت خارجه آمریکا مشغول دلجویی کردن از فرانسه است، خاطرنشان می‌کند: گویا قرار است اجازه دهند که فرانسوی‌ها زیر دریایی‌های استرالیا را بسازند. با توجه به اینکه فرانسه در این زمینه سرمایه‌گذاری هم کرده بود اصطلاح خنجر زدن از پشت را فرانسوی‌ها مطرح کردند.

بیگدلی با تأیید این نکته که واژه اختلاف را می‌شود در روابط برخی متحدان از جمله آمریکا و فرانسه به کار برد، به مسائلی همچون اجبار آمریکا در کنترل چین و نیز این که در این میان استرالیا آسیب‌پذیر است در واکنش به این پرسش که در این غائله منفعت چین یا آمریکا کدامیک تأمین خواهد شد؟ به آفتاب یزد می‌گوید: آمریکایی‌ها بعد از جنگ جهانی دوم و بعد از سقوط ژاپن چیزی حدود ۲۷۰ هزار سرباز در شرق آسیا داشتند که در زمان آقای اوباما این رقم به ۴۷۰ هزار سرباز رسید که یکی از پایگاه‌های‌شان هم استرالیا بود. یکی از دلایلی هم که گرایش به استرالیا بیشتر شده است به این دلیل است. استرالیا اگر چه دور افتاده است اما پایگاه‌های آمریکا و انگلیس کاملا آنجا فعال‌هستند.

این استاد تاریخ دانشگاه با تأیید این مسئله که استرالیا از لحاظ ژئوپولتیکی آسیب‌پذیر است اضافه می‌کند: این آسیب‌پذیری با حمایت ۴۷۰ سربازی که آمریکایی‌ها در آنجا مستقر کردند و پایگاه‌هایی که در اقیانوس هند و آرام دارند محافظت از استرالیا هم تا حدودی انجام می‌شود. به هر حال استرالیا سرزمین آرامی بوده اما الان با ورود به این اتحاد مقداری جایگاه قبلی خود را از دست داد و وارد معاملات نظامی امنیتی شده که فکر نمی‌کنم نفعی عاید استرالیایی‌ها شود اما اسکات موریسون شاید هنوز مقداری دنباله رو آمریکا و انگلستان است و قطعا تحت تاثیر این‌ها قرار گرفته است.

■ مناسبات سیاسی فرانسه و آینده‌ی پیش رو

این تحلیل‌گر مسائل بین‌الملل خاطرنشان می‌سازد: آقای مکرون از حزب جهش فرانسه خیلی موفق نبوده است. با توجه به جهش جلیقه زردها و اختلاف طبقاتی جدیدی که در دوران او به وجود آمده که مقداری باعث ناخشنودی مخصوصا طبقات کارگر و حقوق بگیر جامعه فرانسه شده است بنابراین امیدی نداریم بتواند ادامه دهد. زمانی هم که آقای مکرون وارد مبارزات شد گفتم بالای ۶۵ درصد رای می‌آورد که تقریبا همین طور هم شد. نومحافظه‌کاران تحت رهبری خانم ماریون لوپن نیز شانس زیادی ندارند و در انتخابات شهرداری‌ها نتوانستند بیش از ۱۶ درصد رای آورند و پیش‌بینی من این است که آمریکا با حمایت کارگران به سمت چپ میانی حرکت می‌کند. وی ادامه می‌دهد: شاید شاهد این باشیم که در آلمان بعد از خانم مرکل هم سبزها موفقیت بیشتری پیدا کنند. اگر چه حزب سوسیال دموکرات هم از یک برتری برخوردار است. بنابراین به طور کلی هم نو محافظه‌کاران راست گرای افراطی در فرانسه ناکام بودند (خانم لوپن) و هم آقای مکرون خیلی موفقیتی نداشت. فکر می‌کنم چپ میانی در فرانسه در انتخابات ریاست جمهوری احتمالا به پیروزی رسد.

■ باید بپذیریم جهان در حال تغییر است

این کارشناس مسائل بین‌الملل و استاد دانشگاه به آفتاب یزد می‌گوید: بارها گفته‌ام جهان در حال تغییر و پوست‌اندازی است. بعد از جنگ جهانی دوم تغییراتی را با حجم کمتر شاهد بودیم. بعداز حادثه ۱۱ سپتامبر هم تغییراتی به وجود آمد. الان هم دنیا وارد مرحله جدیدی شده است. شگرد دموکرات‌ها هم در همین است و به بیرون از آمریکا نگاه می‌کنند. مسئله دیگری که مهم است شاید ناکامی بایدن در مسئله افغانستان سبب شده او را به سمتی ببرد که چون از کمونیست‌ها می‌ترسند دنبال مهار چین باشند.

آقای بایدن عنوان کرد ما تمام تلاش‌مان را می‌کنیم که قدرت آمریکا را در دنیا حفظ کنیم و اجازه نمی‌دهیم تازه به دوران رسیده‌ها جای ما را بگیرند. بنابراین استراتژی عمده آمریکا این است که چین را مهار کنند. چین هم دارد جاهای جدید برای خود پیدا می‌کند. یکی از دلایلی که سازمان همکاری شانگهای عضویت ایران را پذیرفت همین استراتژی جدید چین بود که بتواند جبهه‌بندی جدیدی به وجود آورد. اما سازمان همکاری‌های شانگهای یک سازمان سامان یافته‌ای نیست یعنی وحدت لازم در آن وجود دارد و تقریبا یک مجموعه پر از تضاد است. یعنی بین پاکستان و هندوستان اختلاف وجود دارد و چندین بار جنگیدند. بین هندوستان و چین به شدت اختلاف است. بین دوشنبه و تهران اختلاف شدیدی بود. دوشنبه کشور سکولاری است که به تهران نمی‌آید و ایران از گروه‌های مذهبی تاجیکستان حمایت می‌کرد که سفیر ایران را احضار کردند. اما در شرایط فعلی چین و روسیه ناچار بودند که ایران را بر سر مسئله کنترل افغانستان بپذیرند. از سال ۲۰۱۷ چینی‌ها وارد افغانستان شدند و شروع به کشفیات نفتی کردند. این است که دنیا دارد تغییر می‌کند.

■ کنار گذاشتن تلویحی ایران از اکو؟

بیگدلی با اشاره به مانور مشترک ترکیه، آذربایجان و پاکستان که مسئله عجیب و غریبی است تلویحاً می‌پذیرد شاید این مسئله به معنای کنار گذاشتن ایران از اکو باشد.

وی ادامه می‌دهد: آقای اردوغان سیاست مدار بسیار قابلی است البته وی شهرداری استانبول که نکته ایده آل‌اش بود را از دست داد. الان دارد تلاش می‌کند که محبوبیتش برای دور بعد تامین شود. لذا خطی که بین ترکیه و آذربایجان دارد گذر می‌کند یعنی کریدور شمال که از شمال مازندران حرکت می‌کند و به منطقه آسیای مرکزی، افغانستان و نهایتا به چین می‌رود جزئی از تغییرات غیر قابل چشم پوشی است. لذا ترک‌ها هم دارند مسیرشان را عوض می‌کنند. به هرحال چینی‌ها دارای سرمایه قابل توجهی هستند. در نتیجه شاهدیم که دنیا در حال تغییر است و دولتمردان ما هم باید بفهمند که دنیا در حال پوست انداختن و تغییرات اساسی است و با این تغییرات، استراتژی‌ها باید عوض شود. این استاد دانشگاه بر اساس توضیحاتی که داد تأکید می‌کند: بنابراین، عضویت سازمان همکاری شانگهای خیلی جای امیدواری نیست.

■ سود آمریکا در بی‌ثباتی دنیا است!

بیگدلی با یک گذر و مرور تاریخی می‌گوید: به طور کلی امپریالیسم از بحران به وجود آمده است. لذا شیوه آمریکا این است که بحران به وجود آورد تا از درون بحران‌ها بتواند منافع خودش را به دست آورد. هزینه کردن برای‌شان مهم نیست. ابرقدرتی آن‌ها در سایه بی‌ثباتی است. لذا می‌بینیم در دنیای سرمایه داری هر از گاه بحران‌های عجیب و غریب به وجود می‌آید. عمر بحران‌ها را می‌توانند کوتاه کنند اما اصل آن را نمی‌توانند از بین ببرند. این شگردی است که خود آمریکایی‌ها به وجود آوردند و اولین بار بحران در سال ۱۸۷۱ به وجود آمد اما مدام عمر بحران را کوتاه کردند که شدیدترین بحران در سال ۱۹۲۹ بود که از بورس آمریکا و وال استریت شروع شد.

■ این یعنی حواس دنیا را پرت کردن؟

علی بیگدلی می‌افزاید: در این کشورها تقسیم کاری از گذشته‌های دور به وجود آمده است. یعنی مسائل داخلی را به متخصصان خودش واگذار کردند. آمریکا همیشه چشمش به سیاست خارجی بوده که بتواند در خارج با به هم زدن شرایط ثابت بین‌المللی بحران به وجود آورد تا در کنار این بحران‌ها بتوانند به اهدافشان دسترسی پیدا کنند و در این کار هم موفق بودند. مثلا در بحران ۱۹۲۹ تا سال ۱۹۳۴ حدود ۱۸ میلیون نفر بیکار شدند اما هیچ اتفاقی نیفتاد و رزولت اوضاع را کنترل کرد. اما این بحران به سراسر دنیا از جمله کشور ما منتقل شد، اروپا را فلج کرد و در این فلج شدن قدم به جنگ جهانی دوم گذاشتیم. ورود آمریکا به جنگ، فضای جدیدی را برای این کشور به وجود آورد. در سال ۱۹۴۱ مستشاران نظامی آمریکا آمدند و ارتش ما را کنترل کردند. یعنی آمریکا با بحرانی که به وجود آورد فضای تجارت و نفوذشان را در دنیا گسترش دادند.

فرانسه سفرایش را از آمریکا و استرالیا فراخواند/ واشنگتن: متاسفیم/ کانبرا: درک می‌کنیم

کاخ سفید با ابراز تاسف از تصمیم فرانسه مبنی بر فراخواندن سفرای خود از واشنگتن و کانبرا گفت کشورش در روزهای آینده به کار خود برای حل اختلافات بین دو طرف ادامه می‌دهد.

به گزارش ایسنا، به نقل از روسیا الیوم، روز جمعه وزارت خارجه فرانسه در پی تشدید تنش در روابط با استرالیا و آمریکا، سفیران خود را از واشنگتن و کانبرا فراخواند؛ این اقدام در پی لغو قرارداد فروش زیردریایی‌های فرانسوی به استرالیا موسوم به «قرارداد قرن» صورت گرفت. شامگاه چهارشنبه، ایالات متحده، انگلیس و استرالیا از برنامه ساخت زیردریایی‌های هسته‌ای برای ارتش استرالیا خبر دادند. جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا، بوریس جانسون، نخست وزیر انگلیس و اسکات موریسون، نخست وزیر استرالیا با صدور بیانیه‌ای مشترک از مشارکت جدید در زمینه‌های دفاعی و امنیتی به نام «AUKUS» و اولین پروژه در این زمینه خبر دادند. روابط بین فرانسه و ایالات متحده از یک سو و فرانسه با استرالیا از سوی دیگر وارد یک دوره بحران شده است، زیرا دولت استرالیا از طریق ایجاد این مشارکت جدید، قرارداد ۴۰ میلیارد دلاری خرید زیردریایی‌های فرانسوی را لغو کرده و تصمیم گرفت آن‌ها را با تسلیحات هسته‌ای آمریکا جایگزین کند. پاریس این موضوع را «خیانت و خنجر از پشت» توصیف کرد. در همین راستا، ژان ایو لودریان، وزیر خارجه فرانسه گفت که سفرای کشورش در واشنگتن و کانبرا را به دلیل اهمیت فوق العاده پیمان امنیتی بین آمریکا، انگلیس و استرالیا، فراخوانده است. وی افزود که این اقدام به درخواست امانوئل ماکرون، رئیس جمهوری فرانسه صورت گرفت. فرانسه همچنین لغو پروژه «قرارداد قرن» به دنبال شراکت امنیتی جدید متحدانش را «غیرقابل قبول» دانست. سفیر فرانسه در واشنگتن نیز در پیامی توئیتری نوشت: به دنبال اعلامیه‌هایی که بر دیدگاه ما درباره متحدانمان تأثیر می‌گذارد، برای مشورت به پاریس احضار شدم. این نخستین باری است که فرانسه سفرایش را از آمریکا و استرالیا فرا می‌خواند. آمریکا و فرانسه از زمان جنگ استقلال آمریکا متحد نزدیک محسوب می‌شوند و این رخداد بین دو متحد نامعمول است.

■ واکنش آمریکا و استرالیا

در همین راستا، یک مقام کاخ سفید اعلام کرد، ما از تصمیم فرانسه برای فراخواندن سفیر خود از واشنگتن متأسفیم و متعهد به حل اختلافات با این کشور از طریق گفتگو هستیم. شورای امنیت ملی آمریکا نیز اعلام کرد، در ارتباط با تصمیم فراخواندن سفیر پاریس با شرکای فرانسوی خود در تماس هستیم. ما موضع فرانسه را درک می‌کنیم و برای حل اختلافاتمان، مانند سایر مسائل با آن‌ها همکاری خواهیم کرد. وزارت خارجه ایالات متحده نیز در واکنش به این اقدام فرانسه اعلام کرد: به رایزنی در مورد اختلافات خود با فرانسه، از جمله در جلسات مجمع عمومی سازمان ملل ادامه خواهیم داد. ند پرایس، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در بیانیه‌ای گفت: ما با متحدان فرانسوی خود در تماس نزدیک هستیم. ما موقعیت آن‌ها را درک می‌کنیم و از برنامه آن‌ها برای احضار سفیر خود به پاریس مطلع هستیم. این سخنگو افزود: «فرانسه یک شریک حیاتی و متحد قدیمی ما است و ما روابط خود را بسیار ارزشمند می‌دانیم.» جان کربی، سخنگوی پنتاگون نیز در مورد واکنش فرانسه به ایجاد همکاری سه جانبه امنیتی بین ایالات متحده، انگلیس و استرالیا و لغو قراردادقرن، گفت که مقامات آمریکایی این موضوع را حتی قبل از اعلام رسمی با همتایان فرانسوی خود در میان گذاشتند. وی خاطرنشان کرد که واشنگتن نگران آینده همکاری‌های دفاعی خود با پاریس است و کارهای زیادی در این زمینه برای دو کشور انجام شده است. به گفته کربی، لوید آستین، وزیر دفاع آمریکا صبح جمعه با فلورانس پارلی، وزیر دفاع فرانسه تماس گرفت. ماریس پین، وزیر امور خارجه استرالیا نیز گفت که کشورش «ناامیدی» فرانسه را پس از تصمیم مقامات استرالیا برای لغو قرارداد زیردریایی قرن که در سال ۲۰۱۶ با یک شرکت فرانسوی منعقد شده بود، درک می‌کند. وی در گفتگو با خبرنگاران در واشنگتن گفت: «من کاملاً ناامیدی فرانسه را درک می‌کنم. واضح است که تعامل با چنین مسائلی دشوار است. ما به کارهای سازنده و همکاری نزدیک خود با همکاران فرانسوی خود ادامه می‌دهیم.»

کارشناس مسائل شبه قاره:

دنیا در به‌رسمیت شناختن طالبان دچار تردید است

یک کارشناس مسائل شبه قاره با تاکید بر این که پاکستان دخالت موثری در مسئله پنجشیر داشته و معادله را به نفع طالبان تغییر داد گفت: دنیا دچار تردید است تا طالبان را به رسمیت بشناسد یا خیر. پیر محمد ملازهی در گفتگو با ایسنا در ارزیابی خود از تحولات و وضعیت فعلی افغانستان گفت: وقتی طالبان آمدند و تقریبا بدون درگیری کابل را تصرف کردند و اکثر مراکز استانها رادر اختیار گرفتند بین شورای کویته و حقانی برسر این که امارت اسلامی اعلام کنند یا ساختار دیگری را اختلاف نظر افتاد. حتی به تیراندازی کشیده شده و بین ملابرادر و سراج الدین حقانی درگیری اتفاق افتاد. وی افزود: در سفر وزیر خارجه قطر به افغانستان نیز ملابرادر حاضر نبود شایعه شده بود که او تیر خورده اما مشخص نشد. ولیکن زنده است. وی خاطرنشان کرد: ژنرال فیض حمید رئیس اطلاعات نظامی پاکستان به سرعت به کابل آمد تا دو مشکل این‌ها را حل کند نخست مسئله پنجشیر بود که ارتش پاکستان و نیروی هوایی آن‌ها وارد عمل شد در واقع پاکستان دخالت موثر در پنجشیر داشته و معادله را به نفع طالبان تغییر داد.

این کارشناس مسائل شبه قاره تصریح کرد: همچنین توانست یک فرمول ملایمتر بین شبکه حقانی و شورای کویته اعلام کند و با توجه به این که اکثریت اعضای کابینه آن‌ها پشتون هستند ظاهرا طالبان سایر قومیت‌ها را در کابینه راه نداده و از شیعه و احزاب سیاسی و شخصیت‌های برجسته افغانستان هیچ کدام در کابینه حضور ندارد. ملازهی با بیان این که نفوذ پاکستان برای همه روشن شد گفت: طالبانی که روی کار آمده بیشتر از این که دغدغه افغانستان را داشته باشد گروه وابسته به‌ای اس‌ای است. بنابراین کشورهای منطقه و بین‌المللی در به رسمیت شناختن طالبان دچار تردید هستند. هر چند که وزیر خارجه قطر به افغانستان سفر کرد اما دنیا دچار تردید است که طالبان را به رسمیت بشناسد یا خیر. وی ادامه داد: از طرف دیگر شبکه حقانی می‌گوید این مسائل برای ما اهمیت ندارد، امارت اسلامی را هر چه زودتر اعلام می‌کنیم ضمن این که پاکستان هم در منطقه تلاش می‌کند تا طالبان به رسمیت شناخته شود. این کارشناس مسائل منطقه افزود: مشکل دیگری که طالبان با آن مواجه است مسئله اقتصادی و بحرانی است که در افغانستان وجود دارد از جمله فقر و گرسنگی و بیکاری، دست به دست هم داده و افغانستان به کشورهای خارجی نیاز دارد اما باید ببینیم که طالبان چگونه این مشکل را حل می‌کند و یا تدارک پاکستانی‌ها چیست؟

وی ادامه داد: شرکتهای پاکستانی و چینی به دنبال این هستند که قرارداد انحصاری با طالبان منعقد کنند تا بتوانند از معادن و ذخایر زیر زمینی افغانستان استخراج کرده و بهره‌برداری کنند و اقتصاد افغانستان را با اقتصاد سی پک و جریاناتی که چین دنبال است ادغام کنند. ملازهی با اشاره به تداوم درگیری‌ها در منطقه پنجشیر گفت: به نظر می‌رسد به لحاظ تمرکز جمعیتی پنجشیر سقوط کرده اما جنگ چریکی آغاز شده و همان تاکتیکی که در زمان شوروی به کار برده شد مورد استفاده قرار گرفته است، جاده اصلی کاملا در اختیار طالبان است و جمعیت هم یا اخراج می‌شوند و یا جابجایی صورت می‌گیرد و همان پاکستانی‌هایی که به طالبان کمک کردند به این منطقه می‌آیند. وی خاطرنشان کرد: اما در منطقه پنجشیر فقط جاده اصلی نیست دره‌های تو در تو دارد و تنها از طریق جنگ چریکی مدت‌ها می‌تواند دوام آورد. گرچه با توجه به شرایط آب و هوایی منطقه و برف سنگین با مشکلات تسلیحاتی و غذایی مواجه خواهد بود باید دید که تاجیکستان با توجه به موضع‌گیری‌هایی که داشته راهی پیدا می‌کند یا خیر. اگر از نظر تسلیحاتی و مواد غذایی تامین شود امکان تداوم مقاومت در پنجشیر وجود دارد.

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس:

ادامه مذاکرات برجام منوط به دستیابی به نتیجه است

یک عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با تأکید بر اینکه ادامه مذاکرات برجامی مشروط به رسیدن به نتیجه است، گفت که رویکرد دولت این بوده که در صورتی مذاکرات ادامه پیدا کند که به نتیجه برسد و مذاکره برای مذاکره هیچ فایده‌ای ندارد. شهریار حیدری در گفتگو با ایسنا اظهار کرد: از سال ۲۰۱۵ تاکنون برجام ادامه داشته است. در مرحله اول نتایجی حاصل شد. جمهوری اسلامی شفاف‌سازی کرد و در حالی که داشت موضوع رفع تحریم‌ها به سرانجامی می‌رسید با خروج آمریکا، برجام به نقطه اول برگشت. وی افزود: از حدود شش ماه گذشته مجددا مذاکراتی با طرف‌های برجامی توسط وزارت خارجه صورت گرفت. این بار ماهیت گفتگوها با گذشته تفاوت داشت بر این اساس که نظر حاکمیت و تمامی مسئولان و مقامات این بود که باید مذاکرات به نتیجه رسیده و ادامه مذاکرات بدون نتیجه فایده‌ای ندارد و صرفا از ما زمان می‌گیرد. یکسری از مباحث هم مطرح شد که باید با شرط و شروط مذاکره کنید و در صورتی مذاکره استمرار پیدا کند که تحریم‌ها کاملا لغو شود.

این عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با بیان اینکه تمامی اقدامات ایران در حوزه هسته‌ای در چارچوب قواعد بین‌المللی و آژانس بوده، افزود: ما کاری خلاف مقررات بین‌المللی انجام نداده و نمی‌دهیم. با این وجود کشورهای طرف برجام ابراز نگرانی داشته و خواستار شفاف‌سازی درباره برنامه هسته‌ای ایران هستند. ما برنامه‌ها را شفاف اعلام می‌کنیم مشروط بر اینکه تحریم‌های ظالمانه و ناعادلانه در طول ۴۰ سال گذشته تاکنون لغو شود. تحریم‌هایی که به بهانه برجام افزایش پیدا کرده و اکنون با نهایت آن مواجه هستیم. وی افزود: با وجودی که ما از قِبَل تحریم‌ها در بسیاری از حوزه‌ها خودکفا شدیم اما خود را بخشی از دنیا می‌دانیم و می‌خواهیم با کشورهای مختلف تعامل داشته باشیم. البته اگر کشوری قصد ایجاد رابطه بین‌المللی را ندارد ما هم تمایلی نداریم. حیدری با اشاره به رویکرد دولت سیزدهم درباره برجام گفت: آقای رئیسی به این موضوع اشاره داشته که ادامه مذاکرات برجام منوط به نتیجه بخشی آن است و مذاکره برای مذاکره فایده‌ای ندارد. چون زمانی گفتگوها اثربخش است که مردم خروجی آن را در لغو تحریم‌ها و به دنبال آن در زندگی و اقتصادشان ببینند. مجلس، دولت و دستگاه‌های مختلف نظام اعلام کردند که حاضر به ادامه مذاکره در صورت نتیجه بخش بودن آن و لغو تحریم‌ها هستند و الا اگر قرار به انجام مذاکرات همچون گذشته باشد و تحریم‌ها لغو نشود ادامه مذاکرات به صلاح کشور نیست. می‌توان گفت رویکرد دولت سیزدهم این است که مذاکره در صورتی ادامه پیدا کند که به نتیجه برسد.

سفره خالی مردم

ادامه از صفحه اول:

درهرحال بنابه اظهارات آقای رئیس جمهور وزراء و اعضا کابینه دولت سیزدهم ازبین افرادمتخصص، درد آشنا وفسادستیز زمام امور را به دست گرفته اند. و با اولویت حل مشکلات مربوط به اشتغال ومعیشت در خدمت مردم خواهندبود. این نوع گفتارهای دلچسب و بیان خط مشی‌های راهبردی، سیگنال‌های امیدبخشی را دررگ‌های جامعه بویژه در کالبد افراد درمانده ومستضعف که نفس‌هایشان به شماره افتاده تزریق میکند. دراین ارتباط راقم مطلب پنج نکته کلیدی را که میتوان گفت، مطالبات جدی آحاد مردم بویژه طیف محروم جامعه میباشد، بطور مجمل و فهرستوار به استحضارایشان می‌رساند.

۱)درمبحث مبارزه با پدیده فساد، چهره خاموش و پنهان فساد اغلب در زیر یک نقاب نرم مخملی و اغواکننده ای پنهان شده که آثار آن در رفتارهای سازمانی دستگاه‌های دولتی مشهود وملموس تراست. بعنوان مشت نمونه خروار باید گفت، عدم استقبال از نقد وپرسش گری دربین مسئولان، نهادینه شدن روحیه تملق وچاپلوسی و اشاعه تقدیس تراشی در سیستم مدیریتی و اداری کشور ازجمله بخش مکاتبات، گزارشات ونامه نگاری‌های رسمی در سازمان‌های دولتی و... ازمصادیق عینی این نوع فساد سیستماتیک ومرموز است. ورود قاطعانه جنابعالی به این مبحث وحذف هوشمندانه ولخرجی‌های متداول دراغلب مراسمات، عناوین والقاب کذایی برای اشخاص حقیقی، تشریفات زائد از بدنه مدیریتی کشور و... از خواسته‌های جدی آحاد مردم است.

۲)محدودیت در امر واردات کالا واجناس خارجی وموضوع حمایت از تولیدکنندگان داخلی، به دلیل عدم اتخاذ تدابیر هوشمندانه ونظارت عالمانه دستگاه‌های متولی سبب شده قیمت کالاهای تولیدی از رقابتی بودن به انحصاری شدن سوق پیدا کند وبطور سرسام‌آور روزبه روز افزایش یابد. پیامدهای ناگوار فرایند موصوف سبب شده دراین عرصه نیز مصرف کنندگان بی‌محابا توسط افراد فرصت طلب وسودجو مورد ظلم مضاعف قرار گیرند.

۳)درشرایط فعلی تعامل وهم افزایی مطلوبی بین قوای سه‌گانه کشور محسوس است. فرصت مغتنمی پیش آمده تا بسهولت بتوان در راستای پیشبرد اهداف عالیه قوه مجریه وحل مشکلات ومعضلات اساسی کشور ازاین موقعیت ممتاز وانرژی بخش درمسیر توسعه وتعالی کشور، برقراری عدالت اجتماعی، بسط وقداست بخشی به آزادی‌های مشروع شهروندان بهره‌برداری مطلوب نمود.

۴)دانش و تجربه قضائی شما می‌تواند نقطه عطفی باشد درحوزه‌های فسادستیزی وبرخورد جدی با مبحث ترک فعل مدیران خاطی و ایضاً به شما امکان دهد تا مقتدرانه بر کم وکیف مجموعه کارشکنی ها، مسئولیت گریزی‌ها و بی‌تدبیری‌های مدیران درسطوح کلان کشوری اشرافیت جامع داشته باشید. این پتانسیل عظیم را به فال نیک میگیریم وازشما اجازه سوالی داریم. به راستی آن یازده نفری که با وام نودهزارمیلیارد تومانی به اربدهکاران بانکی شهرت یافتند، آیا گذشت این همه سال گرد کهنگی و رنگ پژمردگی بر لیست‌شان پاشیده که اسامی‌شان رنگ باخته و تابحال ناخوانا بوده است؟ آیا شما توانایی بازخوانی آن پرونده متروکه و موارد مشابه را دارید؟ ...

۵)آقای رئیسی با دریغ و درد باید گفت، سالیان متمادیست کشتی طوفان زده و بی‌لنگر اقشار آسیب‌پذیر و بی‌پناه را به هرسو می‌کشانند ومتاسفانه هنوز نسخه شفابخشی برای التیام آلام‌شان ارائه نداده اند...مع الوصف در قالب یک پیشنهاد بدیع و فقیرانه از محضرتان درخواست میشود برای حل مشکلات معیشتی و سفره‌های خالی مردم، شما واعضای محترم هیئت دولت هرگز باشکم سیر درجلسات مرتبط معیشتی مردم شرکت نفرموده واینگونه جلسات و تصمیم گیری‌های کلان را کنار سفره خالی برگزار کنید. شاید تحقق این سبک نمادین جلوه‌ای بی‌بدیل از ابراز همدردی شما با محرومان جامعه و سفره‌های خالی‌شان تلقی شود که از وعده‌های دروغین مسئولین ناامید گشته‌اند وشاید همزادپنداری وهمراهی شما سبب شود لحظاتی حس خوشایندی در وجودشان غلیان کند و شایدهم باعث شود اندک زمانی مسئولین امر درد گرسنگان را لمس کنند ونسخه شفابخشی برای درمان آن بپیچند. شماکه دراغلب صحبت‌هایتان به صداقت درگفتار با مردم تاکید دارید آیا در ارتباط با بی‌تدبیری‌هایی که تورم وگرانی وفقر را به جامعه ارمغان بخشیده وزندگی اغلب مردم را تباه کرده است، سخن خواهید گفت؟ درخصوص فرایند واردات واکسن کرونا و امر واکسیناسیون که ابتدا به سیاق حرکت لاک پشتی نمود عینی داشت وبه سبب‌عدم اقدام به موقع دراین مورد، موجب نارضایتی آحاد مردم گردید،شفاف‌سازی خواهیدنمود؟

آقای رئیس جمهور، باورکنید اوضاع پریشان و نابسامان اقتصادی بگونه‌ای ست که طبقات فرودست ومستأصل جامعه در تأمین مایحتاج اولیه خود زمین گیر شده ومرگ را در زیر پوست خود احساس می‌کنند. هیولای مرگ در کوی و برزن این مردمان خمیازه می‌کشد. روز به روز اغنیاء غنی تر، فقراء فقیرتر و گرسنگان گرسنه ترمیشوند وبی شک این یعنی فاجعه عظیم اجتماعی وانسانی...بگذار بی‌پرده بگویم، زندگی خیلی هارا می‌کشد. خیلی خیلی‌ها را... درنگ جایزنیست امروز قدمی بردار که فردا دیراست. جان کلام اینکه باشکم سیر نمیتوان غصه گرسنگان را خورد، برای بهبود معیشت‌شان نسخه پیچید وجنگ اقتصادی را بدرستی مدیریت کرد.